



گزارش نشست «کرامت زن از نگاه ابن عربی»

شهود حق در نرنان کامل ترین و عظیم ترین شهود است

عنوان شدن مباحثی مثل تساوای زن و مرد و این که مطالعاتی که امروزه در مورد زن انجام می‌شود، علمی نیست، گفت: ما می‌خواهیم فارغ از تمامی جنجالات بحثی فلسفی کنیم. بحثی در ساحت



حقیقت‌جویی و فارغ از احساسات زنانه و اوصاف مردانه. و تلاش می‌کنیم کمی از دانسته‌های خود فاصله بگیریم، چرا که وارد کردن دانسته‌ها به هر متنی در واقع مسخ آن متن است. وی ادامه داد: مبنای بحث ابن عربی در مورد زن در فصل ۲۷ فصوص‌الحکم بر پایه روایتی از حضرت محمد(ص) است که می‌فرماید: «از دنیای شما سه چیز برای من دوست داشتنی است؛ زنان، بوی خوش و نور چشمم در نماز»

این پژوهشگر فلسفی تصریح کرد: نظریه تقلید از خدای ابن عربی که کمتر به آن پرداخته شده و بسیار مهم است به این می‌پردازد که آنچه در قرآن و کلام پیامبر(ص) آمده جدی است و باید آنها را اخذ کنیم تا نتیجه درستی دریافت کنیم.

وی اظهار داشت: ابن عربی می‌خواهد به ما بگوید که جایگاه زن در اجتماع چیست و اسلام به عنوان دین خاتم چگونه به زن نگاه می‌کند و در تفسیر او از این حدیث، این نکته بسیار مهم است که خداوند آدم را به شکل خودش (خدا) آفریده است. وی ادامه داد: خداوند به لحاظ وجودی از عالم ارتباط گسستگی دارد یعنی خداوند در ذات خود عالم و انسان را ساخته است و آدم در مرتبه ذات، خدا را نمی‌شناسد. وی با بیان این که به تعبیر ابن عربی، عالم و آدم مجموعه کاملاً الهی است و خداوند در هر دو ظهور کرده است، گفت: تفاوت‌ها نشان می‌دهد کمالات خداوند در عالم و آدم تفاوت کیفی است؛ نه کمی.

حکمت خاطر نشان کرد: تک‌تک انسان‌ها بالقوه حاوی تمام کمالات الهی هستند و آدم به‌مثابه آینه‌ای است که خداوند را نشان می‌دهد منتهی پیش از خلق آدم در عالم این آینه زنگار گرفته بود و با خلق آدم است که این آینه صیقل می‌خورد.

وی افزود: برای شناخت حق تعالی باید خویش را شناخت چون تمامی کمالات در آدم وجود دارد و کتاب فصوص‌الحکم ابن عربی با این نکته آغاز می‌شود.

این استاد فلسفه گفت: در فص آخر فصوص‌الحکم،

نصراالله حکمت، در نشست هفتگی شهر کتاب که با عنوان «کرامت زن از نگاه ابن عربی» برگزار شد، گفت: ابن عربی درباره زن مباحث بسیاری را مطرح کرده که این مباحث در لابه‌لای آثار او و به عمد بسیار پراکنده آمده، که این پراکندگی به‌خصوص در کتاب فتوحات است. وی تصریح کرد: اساساً نگاه ابن عربی به کتاب، انسان‌وار است. او کتاب را تجلی وجود انسان می‌داند و همچنان که اندیشه و کردار انسان دسته‌بندی شده نیست، کتاب هم نمی‌تواند دسته‌بندی داشته باشد. این استاد دانشگاه شهید بهشتی اظهار داشت: برای این که بتوانیم با تمام اضلاع اندیشه‌های ابن عربی در مورد زن آشنا شویم، باید تمام آثار او را به صورت موشکافانه مطالعه کنیم. حکمت خاطر نشان کرد: در این نشست قصد دارم به بررسی زن در اندیشه ابن عربی که در فصل ۲۷ از فصوص‌الحکم وی است و در مبحثی تحت عنوان «حکمت فردی در کلمه محمدی» با شرح «ابن ترکه» که از عرفای قرن ۸ و ۹ هجری و یکی از شارحان مطرح فصوص است و تفسیر خودم بپردازم.

این استاد فلسفه با اشاره به اینکه بحث ابن عربی در مورد زن بحث درون‌دینی است، گفت: مباحثی که ابن عربی در مورد زن مطرح می‌کند، مبنی بر دیدگاه او بر وجود انسان و عرصه‌شناسی است. وی با انتقاد از نظر برخی که معتقدند اندیشه ابن عربی در مورد زن رفتن از وجودشناسی به زبان‌شناسی است، اظهار داشت: آنها معتقدند ابن عربی با کلمات بازی کرده، در صورتی که به اعتقاد من این نظر او در اعماق اندیشه‌هایش است و برگرفته از مباحث مهم فلسفی است. حکمت ادامه داد: بسیاری از مباحثی که امروزه با عنوان فمینیسم و حوزه مربوط به مطالعه زنان مربوط می‌شود، گرچه می‌تواند شباهت‌هایی با هم داشته باشد، اما به طور کل متفاوت هستند. وی خاطر نشان کرد: آنچه در فمینیسم تأکید می‌شود الگوی تکریم زن بر مرد است و به نوعی زنان می‌کوشند همانند مردان شوند، چرا که احساس می‌کنند در حق یک زن در این جامعه جفا شده و مشخص نیست که این ستم از کجا ناشی شده است.

این پژوهشگر فلسفه ادامه داد: ابن عربی با رویکردی وجودی شناختی و معین جایگاه وجودی زن در عالم را بررسی می‌کند که ابتدا در پی مطرح کردن حد وجودی زن و سپس در مقام ادای حق زن است. این استاد دانشگاه شهید بهشتی با اشاره به



این پژوهش‌گر فلسفه گفت: به تعبیر ابن عربی صورت مهم‌ترین مناسبت برای ارتباط است و آدم چون صورت خداوند است می‌توان گفت که او زوج خدا است و همچنان که زن با وجود خود مرد را زوج می‌کند.



حکمت خاطر نشان کرد:

ابن عربی بحث‌های گوناگونی را درباره این که انسان چگونه می‌تواند خداوند را شهود کند و به دیگران نشان دهد مطرح می‌کند و معتقد است شناخت و شهود حق در زنان کامل‌ترین و عظیم‌ترین شهود است، به این معنا که تمامی عوالم در عالم مظهر خدا هستند، اما عظیم‌ترین مظهر زن است.

حکمت با اشاره به این که ابن عربی تأکید می‌کند که اگر مرد می‌خواهد حق را شهود کند، باید از طریق زن انجام دهد، افزود: از این جمله دو تفسیر وجود دارد که یکی به این معناست که با شناخت زن می‌توان خدا را شناخت، یعنی کامل‌ترین شناخت هستی در وجود زن تحقق می‌یابد. وی ادامه داد: تفسیر دیگر، به این معناست که شناخت‌شناسی زن از هستی بیشتر از مرد است و اساساً نگاه و شناخت زن از عالم، با مرد متفاوت است و به نوعی کامل‌تر است. وی خاطر نشان کرد: مردان به دلیل این که از موضع قدرت اجتماعی به عالم هستی نگاه می‌کنند، دید کامل و دقیقی ندارند، اما زنان به خاطر این که همیشه در حاشیه قرار دارند و در موضع قدرت نیستند، شناخت دقیقی از عالم دارند.

حکمت اظهار داشت: بحث تسلیم مرد در مقابل زن در حوزه شعور و اشعار نمی‌تواند کافی باشد و شیطان در بحث سجده فرشتگان بر آدم، به نحوی در مرتبه شعور و اشعار یعنی حوزه آگاهی زن و مرد وارد می‌شود. او ادامه داد: ابلیس در این مرحله در عالم هستی به شعور و اشعار تبدیل می‌شود و به عقل مردانه که بر اساس قدرت و غرور و روند شعور یعنی شناخت‌شناسی زن و اشعار یعنی ارتباط کلامی با زن ایجاد اختلال می‌کند.

حکمت در پایان با اشاره به این که در اندیشه ابن عربی مرد که به لحاظ تکوینی تسلیم وجودی زن است، خاطر نشان کرد: این مرد وقتی وارد حوزه شناخت و آگاهی می‌شود یک قدرت در مقابل او ظاهر می‌شود و جلوی این تسلیم را می‌گیرد و آن عقل است و این در حالی است که حوزه وجودی زن، حوزه شناختی جامع و فراگیر است.

ابن عربی عنوان می‌کند خداوند وقتی آدم را آفریده، از این آدم شخص دیگری را مشتق کرد که آن حوا - یعنی زن - است. یعنی از نفس آدم، حوا را آفریده است و این جمله، بیانگر آن است که چرا پیامبر زنان را دوست دارد. حکمت ادامه داد: ابن ترکه درباره هستی در کتاب المناحص می‌گوید: «حقیقت هستی در سه شکل متبلور شده که اولی ظهور بعد شعور، یعنی شناخت و آگاهی ظهور که معادل امروزی آن پدیدارشناسی است و مرتبه سوم اشعار، یعنی انتقال شعور و آگاهی است.

وی با بیان اینکه منظور ابن ترکه درباره اندیشه ابن عربی، این است که خداوند عالم را آفریده و در آن آدم را قرار داده و ظهور، یعنی باید حقیقت هستی آشکار شود که اگر قرار باشد حقیقت هستی ظهور پیدا کند، باید در شکل خاصی صورت پذیرد. وی ادامه داد: اما با توجه به کامل نشدن ظهور به دلیل مرد بودن آدم باید آینه‌ای در مقابل آن قرار داده شود تا بتواند خود را ببیند و این آینه در اندیشه ابن عربی، زن است. او تصریح کرد: به عقیده ابن عربی، زن تمام کمالات مرد را دارد با این توضیح که آینه کمالات مرد نیز هست و بر مبنای مباحث آنتولوژی زن مرء است و این مرء، مرأت وجود مرد است. وی با بیان این که ابن عربی معتقد است مرد در اشتیاق و دل‌تنگ زن است و این دل‌تنگی و اشتیاق مرد به زن اشتیاق انسان به خویشستن است، گفت: مرد دنبال خویش و خویشستن است و چون زن بخشی از وجود مرد است، خویشستن را در زن می‌یابد و مردی که زن را نشناسد و دوست نداشته باشد در واقع خویشستن را گم کرده و زنی که مرد را دوست نداشته باشد در به‌در و دور از وهن است.

حکمت ادامه داد: ابن عربی از این نظر نتیجه می‌گیرد در مرحله ظهور یک حالت تکمیلی و تسلیمی مرد به زن وجود دارد و این که خداوند مرد را دوست زن قرار دارد به این دلیل است که هویت مرد در زن ظاهر می‌شود و اگر زن نباشد، هویت مرد همواره مخفی و پنهان خواهد ماند. وی با بیان

اینکه مرحله بعد شعور و اشعار در اندیشه ابن عربی است، اظهار داشت: این مرحله از تکوین خارج می‌شود و وارد شناخت و آگاهی از هستی می‌شود و ابن عربی بحثی مفصل در اینجا را مطرح می‌کند در این باره که چگونه باید حقیقت هستی را شناخت.

